خبرها

به دنیا بگویید بایستد

۶۰ درصد از مرحله تصویربرداری مجموعه تلویزیونی «به دنیا بگویید بایستد» به کارگردانی محمدرضا آهنج برای گروه فیلم و سریال شبکه تهران به پایان رسیده است. این سریال داستان دو جوان دانشجو را روایت می کند که پدر یکی از آنها به‌واسطه عمویش کشته می‌شود. آن دو با هم به خدمت سربازی می‌روند، اما دوستش او را می‌کشد و . . . در مجموعه تلویزیونی «به دنیا بگویید بایستد» فرهاد قائمیان، حامد کمیلی، محمود عزیزی، مهسا کرامتی، فریبا متخصص، جمشید گرگین، امیرمحمد زند، هادی قمیشی، رضا توکلی و مریم کاویانی به ایفای نقش می‌پردازند. همچنین مصطفی رستگاری نویسنده، امیر عابدینی مدیر تولید، غلامرضا جهان‌مهر طراح چهره‌پردازی، محمد سال‌افزون طراح صحنه، اسفندیار شهیدی مدیر تصویربرداری و صالح حبیبی صدابردار این پروژه هستند. مجموعه تلویزیونی «به دنیا بگویید بایستد» در ۱۳ قسمت ۴۵ دقیقه‌ای به کارگردانی محمدرضا آهنج و تهیه‌کنندگی حمیدرضا مهدوی مراحل تصویربرداری را سپری می‌کند و هم‌اکنون ۶۰ درصد از سریال ضبط شده است.

زندباف مجموعه «حضرت یوسف(ع)» را تدوین می‌کند

تدوین فیلم مجموعه «حضرت یوسف (ع)» به علت استفاده از جلوه‌های ویژه رایانه‌ای و انیمیشن و ترکیب آنها با تصاویر واقعی از دشوارترین کارهای حسین زندباف در عرصه تدوین است. زندباف در مورد کارهای جدیدش گفت: «در حال حاضر مشغول تدوین فیلم - مجموعه «حضرت یوسف(ع)» به کارگردانی فرج‌الله سلحشور هستم. البته قسمتی از تدوین را شهریار بحرانی انجام داده بود که درگیر ساخت فیلم «حضرت سلیمان(ع)» شد و از ادامه کار کناره‌گیری کرد. به‌همین دلیل وقتی من کار تدوین مجموعه را پذیرفتم، برای یکدست شدن کار روتوش‌هایی بر قسمت‌های تدوین شده توسط آقای بحرانی انجام دادم.» تدوین فیلم مجموعه «حضرت یوسف (ع)» از اول دی آغاز شده و تا به‌حال حدود بیست درصد از تدوین آن به پایان رسیده است. تدوین این فیلم یکی از دشوارترین کارهایم در عرصه تدوین است. قسمت‌هایی به صورت انیمیشن وجود دارد که به‌همین دلیل کار تدوین باید با دقت انجام شود و به یکدستی کار خللی وارد نکند.

تغییرات در یک برنامه تلویزیونی

«خانه فرهنگ نیم‌رخ» دوباره در مدیریت گروه کودک و نوجوان شبکه اول سیما قرار می‌گیرد. خانه فرهنگ نیم‌رخ از بهمن‌ماه سال گذشته بنا داشت تا با تقویت کانال‌ها و شیوه‌های موجود ارتباطی تلویزیون با مخاطبان کودک و نوجوان وظایف خود را گسترش دهد و از این رو، اسدالله اعلایی، پس از ۲۰ سال مدیریت گروه کودک و نوجوان به سمت ریاست خانه فرهنگ نیم‌رخ منصوب شد. برنامه‌ریزی و تدوین مفاهیم، آیین‌نامه‌ها و استانداردهای مورد نیاز در حوزه برنامه‌سازی کودک و نوجوان به‌منظور تحقیق اهداف پیش‌بینی شده در افق رسانه ملی، پشتیبانی لازم از برنامه‌سازان کودک و نوجوان سیما در فعالیت‌های پژوهشی آموزشی و اطلاع‌رسانی، از جمله وظایف خانه فرهنگ نیم‌رخ عنوان شده بود. از دیگر وظایفی که برعهده خانه فرهنگ نیم‌رخ گذاشته شده بود می‌توان به برنامه‌های تلویزیون و فیلم‌های سینمایی مربوط به‌ویژه برنامه‌هایی با محتوا و رویکرد دینی و اقدام برای ارتقای موسیقی کودک و نوجوان در برنامه‌های تلویزیون اشاره کرد.

مدار صفر درجه دوبله می‌شود

تهیه‌کننده سریال «مدار صفر درجه» از تدوین بیش از سه قسمت این سریال و دوبله آن خبر داد. حسن بشکوفه با اعلام این خبر افزود: تصویربرداری مجموعه «مدار صفر درجه» نیمه دوم اردیبهشت ماه در تهران به پایان رسید و پس از آن کار تدوین توسط بابک رضاخانی و حسن فتحی آغاز شده است. تهیه‌کننده سریال «مدار صفر درجه» با اشاره به اینکه این سریال همچون کار قبلی حسن فتحی یعنی سریال «روشن‌تر از خاموشی» دوبله خواهد شد گفت: در حال‌حاضر صحبت‌هایی برای انتخاب مدیر دوبلاژ این سریال انجام شده است و پس از قطعی شدن این انتخاب، کار دوبلاژ مجموعه به‌زودی آغاز خواهد شد. حسن بشکوفه همچنین گفت: تا به‌حال کار تدوین اولیه (راف کات) تمامی ۲۲ قسمت این سریال به اتمام رسیده است و در حال حاضر مشغول انتخاب آهنگساز این مجموعه هستیم.

سری جدید مجله تئاتر

پخش سری جدید برنامه «مجله تئاتر» به تهیه‌کنندگی مسعود ساکت‌اف از ۲۳ خردادماه آغاز شد. مسعود ساکت‌اف با اعلام این خبر اظهار کرد: در هر قسمت از سری جدید این برنامه به سه نمایش پرداخته و علاوه بر آن نمایش‌های در حال تمرین نیز پوشش خبری داده می‌شود. وی درباره بخش‌های کارشناسی «مجله تئاتر» گفت: با حضور یک منتقد در هر برنامه، یکی از نمایش‌های روی صحنه نقد و بررسی می‌شود. علاوه بر آن، ماهی یک بار با جویا شدن نظر یکی از کارشناسان وقایع تئاتر تحلیل می‌شود. این تهیه‌کننده افزود: «مجله تئاتر» در ۲۶ قسمت ۲۰ دقیقه‌ای ساخته می‌شود و با توجه به زمان محدود برنامه به اتفاقات یک‌ماهه تئاتر کشور به‌طور فشرده پرداخته می‌شود.

با سیدوحید حسینی کارگردان سریال «مثل همیشه»

چاشنی طنز برای زندگی روزمره

مهربانو ابدی‌دوست

آنها که جمعه‌ها پیش از ظهر مخاطبان شبکه یک سیما هستند، هر هفته شاهد تماشای مجموعه طنز تلویزیونی به نام «مثل همیشه» هستند که داستان‌هایی ساده و در عین حال جذاب و مخاطب‌پسند را روایت می‌کند. کارگردان این مجموعه سیدوحید حسینی است که ۳۳ سال بیشتر ندارد.

حسینی دانش‌آموخته کارگردانی سینما از دانشگاه سوره است و فعالیت خود را از سال ۱۳۷۴ در گروه کودک و نوجوان شبکه اول شروع کرد. او تاکنون در موقعیت‌های گوناگون در زمره عوامل برنامه «نیمرخ»، سریال‌های «پسر خاله‌ها»، «زیر آسمان شهر»، «زنگ آخر»، «همینه» و «تا جمعه» است. تدوین مجموعه تلویزیونی «مونس» ازجمله فعالیت‌های در حال حاضر او است. کارگردانی دو مجموعه «تعطیلات خوش بگذره» و «مثل همیشه» را در کارنامه کاری خود دارد و در حال تدارک ساخت مجموعه‌ای جدید است. بهانه ما در این گفت‌وگو مجموعه در حال پخش «مثل همیشه» است که هفته‌های پایانی پخش را پشت‌سر می‌گذارد. این را هم بگوییم که در «مثل همیشه» بازیگرانی چون مرتضی احمدی، ملکه رنجبر، برزو ارجمند، نادر سلیمانی، رامین ناصرنصیر، شهرزاد جواهری، نیلوفر سجادی، سیروس رفیعیان و فریدقبادی بازی دارند.

■ ■ ■

■ در گروه کودک و نوجوان چه فعالیتی داشتید؟

در واقع من پلاتوهای مجری‌ها را می‌گرفتم. هم باکس کودک، هم نوجوان و هم خردسال. با خانم معاونیان، رضایی و هاشمی ضبط پلاتوهای سیما را داشتم. بعد از آن برنامه «دایره‌ها» و «نیم‌دایره‌ها» را ساختم که در جشنواره ABU پکن اول شد. یک بخش هم تدوین و ویراستاری کار برنامه کودک بود. در واقع من فعالیتم را از گروه کودک آغاز کردم. آخرین کارم در گروه کودک قسمت اول و دوم برنامه «نیمرخ» بود.

■ در «زیر آسمان شهر دو» نیز حضور داشتید؟

حدوداً اواخر قسمت اول «زیر آسمان شهر» وارد کار شدم و در تمام قسمت دوم «زیر آسمان شهر» به عنوان کارگردان تلویزیونی و تدوینگر حضور داشتم.

■ بیشتر قسمت‌های سریال «مثل همیشه» پخش شده و با این که در این مجموعه از چهره‌های تلویزیونی استفاده کرده‌اید، چندان پرمخاطب نبود. به نظر شما علت چیست؟

ما خیلی تلاش کردیم که بازیگرهای خوبی را دور هم جمع کنیم. روی همه چیزش خیلی دقت و تلاش کردیم ولی متاسفانه ساعت پخش این برنامه تایم خوبی نیست. جمعه صبح ساعت ۹/۳۰ الی ۱۰ صبح خانواده‌ها یا تازه از خواب بیدار شده‌اند یا رفته‌اند کوهنوردی. خود گروه خانواده هم به این قضیه اعتراف می‌کند که زمان پخش آن زمان بدی است. از طرفی آنقدر هم بیننده‌ها زنگ زده‌اند و گفته‌اند این کار که یک کار آموزشی است و این همه اهداف درست و حسابی دارد چرا در زمان بدی پخش می‌شود. با برنامه‌ریزی‌ای که کرده‌اند قرار است مجدداً در برنامه سیمای خانواده هر روز ظهر پخش شود. متاسفانه زمان پخش آن تنها دلیل عدم جلب مخاطب شده است.

چون کسانی که برنامه را دنبال می‌کنند، هدف‌های آموزشی و قصه‌هایش را دوست دارند. خیلی چیز بدی از آن نمی‌شنوم به غیر از موارد اصولی که مربوط به دکور است و مردم یک مقدار از آن دافعه پیدا می‌کنند. گریزی از آن هم نبود. مجبور بودیم دکور بزنیم.

■ در انتخاب بازیگرها چه معیاری را در نظر گرفته‌اید؟

در مجموعه «مثل همیشه» سعی داشتم که از دو گروه سنی بازیگر استفاده کنم. یک گروه پیشکسوت مثل مرتضی احمدی یا خانم رنجبر یا کسانی که یک مقدار تجربه بیشتری دارند مثل ناصر نصیر و برزو ارجمند و بعد گروه جوان‌تر مثل علی لک‌پوریان و فرید قبادی که اولین کار تلویزیونی ایشان بود. علت این معیارها این بود که من در دکورم دو مدل کار کرده بودم. تقابل سنت و مدرنیته را با هم دیده بودم، در انتخاب بازیگر نیز همین طور بود.

یک گروه آدم‌های سن و سال‌دار و پیشکسوت و یکسری آدم‌های جوان کنارشان. در این تقابل حتی بعضی هم طنز نبودند. آدم‌های جدی‌ای بودند مثل نرگس که نقش زن رامین ناصرنصیر را بازی می‌کند. در واقع تقابل بین مسن‌ها و جوانان را گذاشته بودم که به هر قصه‌ای که می‌خواهم دست پیدا کنم. یعنی هر موردی که خواستم به آن بپردازم.

■ فکر نمی‌کنید برای نقش پوریان که رامین ناصرنصیر آن را بازی می‌کند، خیلی پرحرفی می‌کنید؟

پوریان نمونه بارز بعضی از جوانان ما است و یک شخصیت لمپن است که از این شاخه به آن شاخه می‌پرند، با کوچک‌ترین نسیمی یخ می‌کنند و با یک‌ها کردن گرمشان می‌شود.

آدم‌هایی که خیلی هیجان دارند و برای یک اتفاق هیچ تخصصی درباره‌اش ندارند می‌خواهند کوتاه‌ترین مسیر برای رسیدن به موفقیت یا پول را طی کنند. شخصیت رامین ناصرنصیر در واقع از آن دسته شخصیت‌ها بود چون لمپن بود و اطلاعات عملی‌اش کم بود. همه چیز سر زبانش بود، حرف زیاد می‌زد ولی در عمل همیشه کم می‌آورد. من قصدم این بود که این آدم حراف باشد مثل بعضی آدم‌هایی که می‌گویی فردا بریم کوه می‌گویند بله فردا حتماً می‌رویم کوه. بعد می‌بینی فردا آخرین نفر از خواب بیدار می‌شود و به کوه هم نمی‌رسد.

در واقع می‌خواستیم بیشتر حرف بزند و کمتر عمل کند. می‌خواستیم منطق این جور آدم‌ها را نشان بدهیم که در نهایت می‌بینیم همه آدم‌های سریال به سرانجام می‌رسند. تنها کسی که در قسمت آخر هم به سرانجام نمی‌رسد پوریان است یعنی آدمی که هنوز همان طور که بود می‌ماند. او حرف زیاد می‌زند ولی عملش کم است.

■ شخصیت مقابل آقای پوریان چه کسی است؟

همه آدم‌ها در سریال نقطه مقابل پوریان هستند. همه آدم‌ها اشتباه می‌کنند ولی به اشتباهشان پی می‌برند. مثلاً ما قشر درس‌خوانده داریم مثل برزو ارجمند و سینا که یک دانشجوی رشته دامپزشکی است یا علی لک‌پوریان از آن دسته آدم‌هایی است که بارها و بارها در سریال اتفاقاتی می‌افتد که شغل‌های عجیب و غریب داشته باشد. ولی همیشه می‌گوید من سبزی‌فروش باقی می‌مانم. در یک جایی می‌گوید من سیکل دارم و در یک قسمتی تحصیلاتش را ارتقا می‌دهد و دیپلم می‌گیرد ولی باز هم سبزی‌فروش باقی می‌ماند چون دوست دارد چیزی را که مدت‌ها تجربه کرده حفظ کند.

درست برعکس پوریان دوست دارد برای رسیدن به هر چیزی تلاش کند.

■ مرتضی احمدی مدت‌ها است که در سریالی بازی نکرده، چطور شد وارد این مجموعه شد؟

از مرتضی احمدی تقاضا کردم که سرکار «مثل همیشه» بیایند و قبول کردند. ایشان آمدند و دوتا از متن‌ها را خواندند و گفتند من دوست دارم با جوان‌ها کار کنم و انصافاً اندازه جوان‌های سریال ما زحمت کشیدند.

ایشان متولد ۱۳۰۱ هستند. با توجه به سن بالایشان بدون هیچ‌گونه مشکلی سکانس را حفظ می‌کردند و تپق نمی‌زدند. انرژی‌شان باعث می‌شد همگی انرژی بگیریم. ایشان افتخار سریال ما بود. محبت کردند به من و آمدند و در اصل وزنه سنگین سریال من بودند و خوشحالم از اینکه با ایشان کار کردم.

■ درباره گروه نویسندگان و چگونگی همکاری‌تان بگویید؟

نویسنده‌های سریال «مثل همیشه» گروه محدودی بودند. حسین‌نیا، برزگر، بهمن معتمدی و پوریا آذربایجانی نویسندگان این مجموعه‌اند. وقتی اینها ایده‌ای داشتند برای من تعریف می‌کردند. بعد من می‌گفتم چون گروه همان، گروه خانواده است و بخش تربیتی خیلی برایمان مهم است، هر بخشی باید یک چیزی برای یاد دادن داشته باشد. حتماً باید آموزشی باشد ولی در پشت پرده نمی‌خواستیم یک کارشناس بیاوریم و بنشیند، بگوید این کار را بکن، این کار را نکن. می‌خواستیم نمایشی باشد. بچه‌ها طرح اولیه را می‌آوردند، گپ می‌زدیم و بعد می‌نوشتند و می‌خواندیم، اگر هم نیاز به اصلاحیه بود اصلاح می‌کردیم. بیشتر با حسین‌نیا کار می‌کردیم چون با ایشان دوتایی می‌نوشتیم. من ایده را می‌دادم و بعضی اوقات شب تا صبح من قصه را تعریف می‌کردم و او دیالوگ می‌نوشت. در اصل بخش اعظم فیلمنامه را دوتایی می‌نوشتیم.

■ چقدر سعی کرده‌اید تا یک طنز متفاوت از بقیه طنزها بسازید؟

از نظر من بزرگترین تفاوت این طنز با بقیه این است که به قول مدیر گروه خانواده برنامه‌های خانواده را همه گروه‌های سنی به راحتی می‌توانند ببینند. این اتفاق، یعنی اینکه ما هیچ‌وقت از طنز به عنوان لودگی استفاده نکردیم. در واقع هیچ کلمه بدآموزی در دیالوگ‌ها به کار نبردیم. سعی کردیم از هیچ‌گونه عمل یا حرکتی یا دیالوگی که بدآموزی دارد استفاده نکنیم. حتی از دست بلند کردن یا زدن یا هر حرف بد پرهیز کردیم تا بتوانیم یک طنز قابل قبول بسازیم که لودگی نباشد. خیلی سعی نکردیم از تکه‌کلام‌های رایج استفاده کنیم که سریع بین مردم باب شود. آمدیم به زندگی روزمره مردم یک چاشنی طنز ضعیف دادیم تا برای مردم قابل قبول باشد. علتش برمی‌گشت به آن چیزی که ما دوست داشتیم هر چیزی که می‌گوییم آموزشی باشد. کلاً هدف شبکه یک همین است. اصولاً شبکه یک شبکه‌ای آموزشی است و فقط قصد پر کردن وقت مردم را ندارد. با این حساب خیلی سعی کرده‌ایم در نوع طنزمان روی برخورد بچه‌ها، تکه‌کلام ایجاد نکنیم بین مردم. بلکه با چاشنی طنز حرفمان را بگوییم. از بابت فضا هم ما در اصل ۶ الی ۷ مدل فضاهای آپارتمانی از بقیه دیده بودیم. ما آمدیم طنز را در یک محله و در یک خانه به تصویر کشیدیم. می‌خواستیم فضای گرم خانواده را ببینیم. مثل بقیه طنزها که اتفاقات پراکنده‌اند، اتفاقات «مثل همیشه» در خانواده‌اند، همه ازدواج کرده‌اند. فضای خانواده برایمان مهمتر بود.

■ در حال حاضر مشغول چه کاری هستید؟

یک مجموعه تلویزیونی است که هر قصه‌اش در ۶ روز می‌گذرد. از شنبه شروع می‌شود تا پنجشنبه به مدت ۱۲۰ دقیقه. از زمان ۱۲۰ دقیقه‌ای یک خلاصه ۹۰- ۷۰ دقیقه‌ای درمی‌آوریم و به عنوان یک فیلم تلویزیونی روز جمعه در همان ساعت پخش روزهای قبل پخش می‌کنیم. این سریال اول مهرماه پخش می‌شود.

■ خودتان بزرگترین تفاوت طنز مثل همیشه با طنزهای دیگر را در چه می‌بینید. به گمانتان طنز شما چه تمایزی با طنزهای دیگر دارد؟

در طنزهای روتین یک نفر محور بازی‌ها می‌شود، چیزی که من از آن فرار کردم. تلاش می‌کردم چه در متن و چه در بازی بازیگران کسی برجسته‌تر نشود. چون کانون خانواده‌مان به هم می‌خورد. کلاً در ارائه برنامه خانواده برجسته‌تر کردن یک بازیگر باعث ضعف کار می‌شود. به گروه نویسنده گفته بودیم اگر این هفته قصه راجع به برزو ارجمند است هفته دیگر راجع به ناصرنصیر بنویسید. . . این باعث می‌شود همه آدم‌ها دیده شوند. وقتی یک نفر محور می‌شود همه خط و خطوط قصه را به طرف خود می‌برد.

خلاصه گفت‌وگو

در طنزهای روتین یک نفر محور بازی‌ها می‌شود، چیزی که من از آن فرار کردم. تلاش می‌کردم چه در متن و چه در بازی بازیگران کسی برجسته‌تر نشود. چون کانون خانواده‌مان به هم می‌خورد.

«روزگار قریب» رو به اتمام

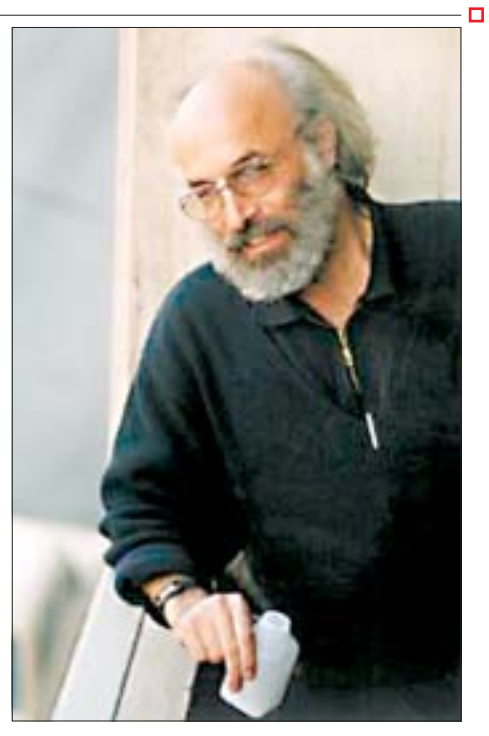

تصویربرداری سریال تلویزیونی «روزگار قریب» تا دو ماه دیگر خاتمه خواهد یافت و به‌زودی بینندگان سیما شاهد اثری نمایشی خواهند بود که در آن زندگی بنیانگذار طب نوین کودکان در ایران به تصویر کشیده شده است. زندگی دکتر محمد قریب بنیانگذار طب نوین کودکان در ایران همان مسئله‌ای است که از اسفند سال ۸۱ دغدغه مهم کیانوش عیاری و همکارانش برای ساخت یک سریال تلویزیونی شده است. عیاری روزگار قریب را بر اساس فیلمنامه‌ای از خود برای مرکز سیمافیلم تهیه و کارگردانی می‌کند. تولید این سریال از اواخر اسفند سال ۸۱ در روستای قلعه‌بلند در حوالی شهرستان ورامین آغاز شد. وقایع این سریال در حد فاصل سال‌های ۱۲۹۵ تا ۱۳۵۳ از زمان تولد دکتر قریب تا مرگ وی اتفاق می‌افتد. سریال شامل بخش‌های مختلف زندگی محمد قریب است. مهاجرت وی و خانواده‌اش از اراک به تهران، حضور او در کشور فرانسه برای ادامه تحصیل در رشته پزشکی و . . . وقایعی است که در فیلمنامه این سریال همزمان با رویدادهای تاریخ معاصر ایران روایت می‌شود. رویدادهایی همچون: کودتای رضاخان، قحطی تهران در زمان جنگ جهانی دوم، اشغال ایران توسط نیروهای متفقین، واقعه ۳۰ تیر سال ۱۳۳۲ و . . . همین مسئله سبب شده که لوکیشن‌های مختلفی در طول چهار سال گذشته مقابل دوربین گروه سازنده این سریال برود. روستای قلعه‌بلند در حوالی ورامین، میمه اصفهان، شهر اصفهان، شهرک سینمایی غزالی، خانه‌های قدیمی تهران، بیمارستان بوعلی و . . . فضاهایی است که هر کدام مدتی میزبان دست‌اندرکاران این سریال نمایشی بوده‌اند. گروه سازنده روزگار قریب این روزها در جاده امامزاده داوود در حال فیلمبرداری بخش‌های دیگری از این سریال هستند. داستان به آخرین مقطع سنی دکتر قریب رسیده است. در این مقطع سنی مهدی هاشمی «دکتر قریب» شده است. پیش از او پرهام کرمی در نقش کودکی، کاوه آهنگر در نقش نوجوانی، شهاب کسرایی در نقش جوانی و ناصر هاشمی بخش دیگری از مقطع جوانی دکتر را مقابل دوربین برده بودند.

در این مقطع از داستان فضاهای مختلفی در حوالی منطقه فرحزاد و جاده امامزاده داوود لوکیشن این سریال شده‌اند. ماجرایی که در این مقطع از سریال به تصویر کشیده می‌شود مربوط به زمانی است که یک مبارز سیاسی بعد از آن که در یک درگیری با ماموران رژیم شاه زخمی می‌شود، برای پنهان شدن به این منطقه می‌آید. حال او وخیم است. اگر فکری برای زخم پای او نشود این زخم به قانقاریا تبدیل می‌شود و او فوت می‌کند. دکتر قریب راه چاره را در قطع پای مرد قانقاریایی می‌داند اما این مسئله هم نتیجه نمی‌دهد و او فوت می‌کند. این قصه‌ای محوری است که در کنار آن چند ماجرای فرعی رخ می‌دهد.

به گفته فرید سجادی حسینی دستیار کارگردان این پروژه برای نقش مرد قانقاریایی نیاز به بازیگری بود که یک پا نداشته باشد. به همین دلیل برای این نقش به سراغ جانبازی رفتند که پیش از این هم سابقه بازی داشته است. نام این فرد «فرشاد آقایی» است که در زمان جنگ ایران و عراق یکی از پاهای خود را از دست داده و از این نظر با نقش شباهت فیزیکی دارد.

سجادی درباره برنامه کاری بعدی گروه می‌گوید: بیمارستان فیروزآبادی، چند خیابان در تهران که از لحاظ ظاهری شبیه سال‌های ۵۳ باشد، خانه دکتر محمد قریب و . . . لوکیشن‌های بعدی این سریال خواهد بود. فرهاد مهدوی، اعظم علیپور، مینا حسینی، علی ناصری و سلمان وکیلی بازیگرانی هستند که به تازگی به جمع بازیگران این سریال اضافه شده‌اند. پیش از این هم مهران رجبی، محمد برسوزیان، امیرحسین صدیق، فرحناز منافی‌ظاهر، صبا کمالی، حسین ایل‌بیگی، فریده دریامج، بهاره افشار، آفرین عبیسی، رضا بابک، محمود بنفشه‌خواه و مرحوم حسین پناهی در این سریال ایفای نقش کرده‌اند.

تازه ها

واکنش به پخش فیلم‌های خارجی

به اعتقاد پرویز شیخ‌طادی عدم پخش تعداد بسیاری از فیلم‌های خارجی به صرف این که آمار آنها بیش از فیلم‌های سینمایی داخلی می‌شود سیاست نادرستی است. این کارگردان در گفت‌وگو با خبرنگار سرویس تلویزیون ایسنا، با اعتقاد بر این که فیلم‌های خارجی حال حاضر تلویزیون از کیفیت مناسبی برخوردارند، افزود: برنامه‌های سینماچهار، سینمایک و صد فیلم فیلم‌های خوبی را پخش می‌کنند، ضمن این که باید خواست مردم را ارجح قرار داد. اگر سینمای داخلی ما کفاف این تعداد شبکه تلویزیونی را نمی‌دهد، باید از فیلم‌های خارجی استفاده کرد. وی درباره تاثیرات فرهنگی پخش بی‌رویه فیلم‌های خارجی بر مخاطب اظهار کرد: انتخاب و خرید فیلم‌های خارجی بسیار مهم است. صرف خارجی بودن یک فیلم تاثیر منفی بر مخاطب ندارد. تاثیر منفی زمانی مطرح می‌شود که محتوای آن با فرهنگ ما همخوانی نداشته باشد. نباید در دنیای شخصی خودمان محبوس شویم بلکه با پخش فیلم‌های متنوع غربی می‌توان با کشورهای دیگر به تبادل فرهنگی رسید. شیخ‌طادی در ادامه بر ضرورت فرهنگ‌سازی در جامعه تاکید کرد و افزود: باید آنقدر روی فرهنگ داخلی، رفتارها و اخلاقیات خانواده کار کرده باشیم که خود بینندگان تلویزیونی از اقشار و سنین مختلف قدرت تمیز رفتارهای مناسب با فرهنگ خودی را داشته باشند.

پرواز ناموفق اعلامیه‌ها بر فراز نمایی از سریال «در چشم باد»

هواپیمای بازسازی شده متفقین، ۲۲ خردادماه بر فراز دکورهای خیابان لاله‌زار شهرک سینمایی غزالی به پرواز درآمد تا تصاویر ریختن اعلامیه بر فراز شهر در سکانس سال ۱۳۱۹ سریال «در چشم باد» ثبت شود.

این هواپیما که به گفته مدیر گروه حماسه و دفاع شبکه اول سیما، بازسازی آن هزینه بسیاری را به همراه داشته، شبیه هواپیماهای دهه ۲۰ بازسازی شده است. این هواپیما که حاوی اعلامیه‌های نیروهای متفقین بود این مطلب را «خطاب به اهالی ایران» علیه کشور آلمان بیان می‌کرد که «آلمان هیتلری، درهم شکسته می‌شود». در این سکانس بیش از ۴۰۰ هنرور از سنین مختلف حضور داشتند که کنترل آنها توسط جعفر جوزانی و دستیارانش به دشواری انجام می‌گرفت. به نحوی که یکی از دستیاران کارگردان در پاسخ به پرسش یکی از هنروران که باید چه‌کار کند؟! (با اشاره به تعداد آنها) گفت: «یادم نمی‌آید به هر کی چه گفتم!» با فرمان «حرکت» جعفری جوزانی، خیابان خلوت

لاله‌زار به ناگاه مملو از جمعیتی شد که با پوشش‌های مختلف دهه ۲۰ مقابل دوربین ظاهر شدند و در این بین حضور بچه‌ها با اسباب‌بازی‌هایی که این روزها دیگر نشانی از آنها نیست، خانم‌ها با زنبیل‌های حصیری و نان‌های سنگک، روحانیون، جوانانی با موهای روغن‌زده و کلاه‌های شاپو بیش از هر چیز جلب توجه می‌کرد.

اما برنامه بر اساس پیش‌بینی اولیه انجام نشد و هواپیما پس از یک ربع پرواز بر فراز شهرک سینمایی و ریختن ناموفق اعلامیه‌ها در باند فرودگاه پیام فرود آمد. مشاور هنری سریال «در چشم باد» در توضیح این سکانس و بازسازی هواپیما به خبرنگار ایسنا گفت: این سکانس به دوره‌ای می‌پردازد که هواپیمای روس و انگلیس در تهران اعلامیه پخش می‌کرد و هشدارهایی را در خصوص جنگ ناخواسته در ایران به اطلاع مردم می‌رساندند.

مجید میرفخرایی که طراحی صحنه این سریال تاریخی را نیز بر عهده دارد، درباره هواپیمایی که بر فراز آسمان لاله‌زار به پرواز درآمد، یادآور شد: این هواپیما تقریباً شبیه هواپیماهای جنگ جهانی اول است که از تصاویر موجود در اینترنت الگوبرداری شده است. پرچم انگلیس نیز بر روی آن دیده می‌شود. صحنه‌های مربوط به هواپیمای روس را نیز در جای دیگری فیلمبرداری کرده‌ایم. این هواپیما که با همکاری مرکز آموزش فنون و خدمات هوایی وابسته به شرکت فرودگاه‌های کشور در اختیار پروژه «در چشم باد» قرار گرفته، «خلبان کاتوزی» هدایت آن را برعهده داشت. خلبان کاتوزی که با تصویر و فیلم آشنا است پیش از این نیز تجاربی را در این خصوص داشته است. حبیب‌الله کاسه‌ساز تهیه‌کننده «در چشم باد» از دیگر افرادی بود که در پشت صحنه این سریال حضور یافت. وی درباره نحوه تهیه این هواپیما به ایسنا گفت: هر پروژه‌ای براساس فیلمنامه و درخواست طراح صحنه و کارگردان نیازمند تامین یکسری امکانات است. برای گرفتن این سکانس و تهیه هواپیما نزدیک به دو ماه هماهنگی انجام شد. تهیه‌کننده «در چشم باد» همچنین پیش‌بینی کرد که فیلمبرداری این پروژه طی ۱۵ ماه آینده به پایان برسد.

در این سکانس از سریال «در چشم باد» بازیگران اصلی چون اکبر عبدی، جهانگیر الماسی، پارسا پیروزفر، کامبیز دیرباز و رضا شفیعی‌جم حضور داشتند که هر کدام در گوشه‌ای از خیابان لاله‌زار به ایفای نقش می‌پرداختند. این سریال به کارگردانی مسعود جعفری‌جوزانی متشکل از سه مقطع تاریخی است و وقوع سه جنگ در داخل کشور را به تصویر می‌کشد. این سریال که از بدو کلید خوردن تاکنون چند بار دچار وقفه شده است، با تغییر تهیه‌کننده و حضور حبیب‌الله کاسه‌ساز به مدت یک‌سال و سه‌ماه است که فیلمبرداری می‌شود.